

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلامی ۳۴

معجزات انباء

و فرقی بین آن با کرامات اولیا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

تعریف معجزه:

معجزه از عجز گرفته شده و به معنی عدم توانایی است. در قاموس آمده: معجزه پیامبر صلی الله علیه وسلم چیزی است که دشمن از مبارزه کردن با آن عاجز می شود و «ه» معجزه در اینجا برای مبالغه آمده است.

معجزه در اصطلاح: (أمر خارق للعاده یجری علی

أیدی الأنبياء للدلالة علی صدقهم مع سلامة

المعارضة) «امر خارق العاده ای است که بر دست انبیاء

برای صدق دعوتشان همراه با اینکه چیزی توانایی معارضه کردن با آن را ندارد، جاری می شود».

اینکه گفته می شود خارق للعاده: آنچه را که از افعال، و احوال طبیعی انبیاء روی می دهد از معجزه خارج می گردد. و اینکه گفته می شود **یجری علی أیدی الأنبياء** : امور

خارق العاده که بر دست اولیاء انجام می شود را خارج می سازد و آن جزو معجزه به حساب نمی آید بلکه کرامات است که به خاطر پیروی کردن آنها از پیامبران جاری می گردد. و به طریق اولی آنچه مربوط به ساحر و کاهن از سحر و جادو که جز از انسان شرور روی نمی دهد، خارج می گردد.

و این گفته **للدلالة علی صدقهم مع سلامة**

المعارضة: دروغگویی که مدعی علم غیب هستند از امور خارق العاده و همچنین سحر را خارج می کند زیرا آنها

از معارضه سالم نیستند بلکه با مانند خود از سحر در معارضه می باشند زیرا آن از جمله سحر و جادو می باشد.

نمونه هایی از بعضی معجزات پیامبران:

معجزات انبیاء بسیار است که از جمله این معجزات معجزه صالح؛ می باشد هنگامی که قومش از او خواستند برای آنها از صخره ای که آن را می دیدند شتر خارج کند سپس صفاتی را برای شتر مشخص نمودند. صالح؛ آن را از پروردگارش درخواست نمود. خداوند به آن صخره امر نمود برای شتری عظیم بر وجهی که آنها می خواستند شکافته شود. (تفسیر ابن کثیر (۳/ ۴۳۶).)

الله تعالی در باره آن می گوید: ﴿وَالِیْ تُمُوْدُ أَخَاهُمْ صَلِحًا ۚ قَالَ یَنْقُومِ اَعْبُدُوْا اِلٰهَ مَا لَکُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَیْرُهُ ۚ قَدْ جَآءَ تَکُمُ بَیِّنَةٌ مِّنْ رَبِّکُمْ ۚ هَذِهِ نَاقَةُ اللّٰهِ لَکُمْ ءَایَةٌ ۚ فَذُرُوْهَا تَاْكُلْ فِیْ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسَوْءٍ فَاِذَا حَذَّکُمْ عَذَابُ اَیْمُنٍ ۝۳﴾ (اعراف ۷۳)

«و به سوی ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم. که به آنها گفت: ای قوم من خدا را بپرستید که جز او معبود بحق و وجود ندارد در حقیقت از جانب خداوند برای شما دلیلی آشکار آمده است. این، شتر خدا برای شماست که پدیده ای شگرف است پس آن را بگذارید تا در زمین خداوند بخورد و گزندی به او نرسانید تا شما را عذابی دردناک در بر نگیرد».

و از معجزات ابراهیم؛ خداوند آتش را که قومش برای عذاب و نابودی او روشن کرده بودند در آن امر نمود که بر ابراهیم؛ سرد و سلامت شود. می فرماید: ﴿قَالُوْا حَرِّقُوْهُ

وَأَنْصَرُوا إِلَهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَنْتَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ (انبیاء ۶۸-۷۰)

«گفتند اگر کاری می کنید او را بسوزانید و معبودهایتان را یاری دهید. گفتیم: ای آتش برای ابراهیم سرد و سلامت باش و خواستند حيله کنند پس ما آنان را از زمره زیانمندان قرار دادیم.»

از معجزات موسی؛ عصا می باشد هنگامی که آن را به زمین می افکند تبدیل به ماری عظیم و بزرگ می شد. الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمْوَسَىٰ ﴿٧١﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَأَهشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ ﴿٧٢﴾ قَالَ أَلْقَهَا يَمْوَسَىٰ ﴿٧٣﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٧٤﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٧٥﴾﴾ (طه ۱۷-۲۱)

«ای موسی در دست راست تو چیست؟ گفت: این عصای من است بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می تکانم و کارهای دیگری هم که با آن انجام می دهم. فرمود: ای موسی آن را بیانداز. پس آن را انداخت و ناگاه ماری شد که به سرعت می خزید. فرمود: آن را بگیر و مترس. بزودی آن را به حالت نخستین خود باز می گردانیم.»

و همچنین از معجزات موسی این بود که وقتی دستش را داخل پهلویش می گذاشت و بیروان می آورد بدون اینکه دچار آفتی شده باشد از سفیدی به مانند ماه می درخشید. الله

تعالی می فرماید: ﴿وَأَضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ؕ آيَةً أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾﴾ (طه ۲۲)

«دست را بر پهلویت ببر سپید بدون اینکه دچار عیب یا آفتی شده باشد برمی آید این معجزه ای دیگر است.»

از معجزات عیسی؛ این بود که او از گِل چیزی شبیه پرنده درست می کرد سپس در آن می دمید و به اذن خداوند تبدیل به پرنده می شد و بر کور مادر زاد و پیسی مسح می کشید به اذن الله شفا می یافتند. مردگان در قبرهایشان را صدا می زد پس به اذن خداوند جواب می دادند. الله تعالی می فرماید:

﴿وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي ۖ وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۖ﴾ (مائده ۱۱۰)

«به اذن و اجازه من از گِل به شکل پرنده می ساختی و در آن می دمیدی و به اذن من پرنده می شد و به اذن من کور مادرزاد و پیس را شفا می دادی.»

و از معجزات پیامبر ما صلی الله علیه وسلم قرآن عظیم است که آن بزرگترین معجزه پیامبران به صورت مطلق می باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾﴾ (بقره ۲۳) «و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کردم شک دارید اگر راست می گوید

سوره ای مانند آن را بیاورید و غیر از خداوند هر که را می خواهید به یاری بخواهید» و می فرماید: ﴿قُلْ لِّیْنَ أَجْتَمَعْتُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ۚ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾﴾ (اسراء ۸۸)

«بگو اگر انس و جن گرد آیند بر آنکه مثل این قرآن آورند، هرگز نمی توانند مثلش را بیاورند و اگر چه یاور همدیگر باشند»

و از معجزات دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم نصف شدن ماه است هنگامی که اهل مکه آن را از پیامبر صلی الله علیه وسلم خواستند ماه دو نصف شد و مردم مکه و دیگران آن را دیدند. الله تعالی می فرماید:

﴿أَقْرَبَتْ السَّاعَةُ ۖ وَأَنشَقَّ الْقَمَرُ ﴿٩٠﴾ وَإِنْ يَرَوْا ؕ آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٩١﴾﴾ (قمر ۱-۲)

«قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت و هرگاه نشانه ای ببیند روی بگردانند و گویند سحری دنباله دار است» و از جمله معجزات او اسراء و معراج است. الله تعالی می فرماید: ﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا﴾ (اسراء ۱)

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی سیر داد.»

معجزات پیامبران بسیارند خصوصاً معجزات پیامبر ما صلی الله علیه وسلم که خداوند بر دست او بسیاری از آیات و دلایل که برای هیچ پیامبری قبل از او جمع ننموده را جمع

کرده است و آنچه اینجا آورده شده تنها نمونه های از آن است.

تعریف کرامت:

(الكرامة: أمر خارق للعادة غير مقرون بدعوى

النبوة ولا هو مقدمة لها تظاهر على يد عبد ظاهر الصلاح مصحوب بصحيح الاعتقاد والعمل الصالح) «کرامت به کاری خارق العاده گفته می شود که انجام دهنده آن ادعای پیامبری نمی کند و حتی مقدمه ای برای ادعای آن نمی باشد و بر دست بنده ای صالحی که دارای عقیده ای صحیح و عمل صالح است ظاهر می شود». وقتی گفته می شود امر خارق للعاده: کارهایی که بر حسب عادت انجام می شوند را خارج می سازد. وقتی گفته می شود غیر مقرون بدعوی النبوة: معجزات انبیاء خارج می گردد.

و وقتی گفته می شود ولا هو مقدمة لها: همه امورات خارق العاده ای که قبل از پیامبری برایشان روی می دهد و مقدمه پیامبری آنهاست از آن خارج می گردد. و اینکه گفته می شود ویظهر علی يد عبد ظاهر الصلاح...: آنچه بر دست ساحر و کاهن که سحر و جادو می باشد خارج می شود.

کرامات اولیاء بسیارند از جمله آنچه در حق بعضی از صالحان امتهای گذشته روی داده است. از آنجمله آنچه است که خداوند از مریم^ع خبر داده است. می فرماید:

﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ قَالَ يَمْرِئُ أَنَّى لَكَ هَذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ﴾ (آل عمران ۳۷)

«زکریا هر وقت که در محراب بر او وارد می شد نزد او روزی می یافت. گفت ای مریم این از کجا برای تو آمده است. گفت: این از جانب خداست».

و از آن جمله اصحاب کهف هستند که خداوند داستان آنها را در کتابش بازگو نموده و از آن خبر داده است. و از جمله کرامات اولیاء از این امت آنچه که در حق اسید بن حضیرس ثابت است که او سوره کهف قرائت می کرد ملائکه به خاطر قرائت او به مانند سایانی که در آن نور بود نازل می شدند. ملائکه بر عمران بن حصینس سلام کرده اند. سلمان و ابودرداء م در کاسه بزرگی می خوردند، پس کاسه تسبیح می گفت یا آنچه در آن بود تسبیح می گفتند. خیب بن عدیس در دست مشرکان مکه اسیر بود؛ خداوند او را شرافت و بزرگی بخشید به او انگور داده بود و او می خورد درحالیکه در مکه انگور نیست.

علاء حضریمس با سپاهش بالای دریا بر اسبهایشان گذشتند در حالیکه زین اسبهایشان خیس نگردید. و آنچه برای ابومسلم خولانی: هنگامی که اسیر اسود عنسی که ادعای نبوت می کرد، روی داد. به او گفت: شهادت می دهی که من پیامبر خدا هستم؟ گفت: نمی شنوم. گفت: شهادت می دهی که محمد صلی الله علیه وسلم رسول خداست؟ گفت: بله. دستور داد که او را در آتش اندازند. او را دیدند که در آن نماز می خواند و آن آتش سرد و سلامت شده است. چیزهای دیگر که بسیارند از جمله آنچه که در کتابهای سیره و تاریخ نقل شده اند.

فرق بین معجزه و کرامت:

معجزه برای ادعای نبوت بکار می رود برخلاف کرامت که صاحب آن ادعای نبوت نمی کند و به خاطر تبعیت از پیامبر و استقامت بر شریعتش آن کرامت برایش حاصل شده است. معجزه خاص پیامبران و کرامت برای اولیاء است. در مجموع هر دو امری خارق العاده هستند. هر کرامت اولیایی نشانه ای از معجزات رسولش است که خداوند را با شریعتش عبادت می کند.

اطلاق معجزه بر کارهای خارق العاده انبیاء و کرامت بر کارهای خارق العاده اولیاء دو اصطلاح هستند که در کتاب و سنت موجود نمی باشند. و آن اصطلاحی است که علما بعداً بر آن دو بکار برده اند و برای فهم و معنای آن دو به آنچه در نصوص حق بیان شده، مراجعه کرده اند.

حکم ایمان به معجزات و کرامات:

ایمان به معجزات انبیاء و کرامات اولیاء اصلی از اصول دین می باشد که نصوص کتاب و سنت بر آن شاهد است مسلمانی که رویدادی را مشاهده می کند (از کرامات اولیاء واجب است که به صحت آن معتقد باشد و بداند که آن حق است. و گرنه تکذیب آن یا انکار چیزی از آن رد کردن نصوص و مخالفت کردن آنچه است که واقع شده و انحراف بزرگی است از آنچه امامان دین و علمای مسلمانان در این باب بر آن هستند. و الله تعالی اعلم.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.